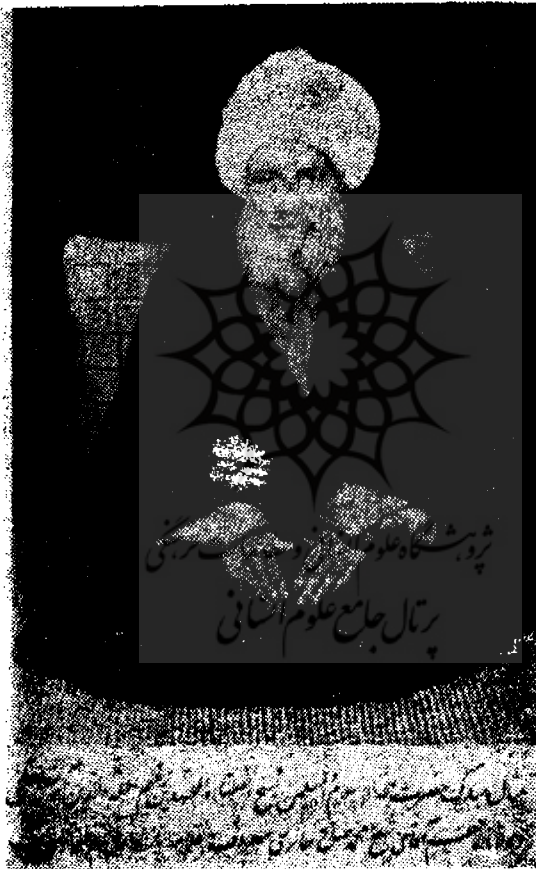


حسن فضالی (شیوا)



مرحوم  
آیة الله  
علامه  
حائری  
مازندرانی  
و آثار علمی  
درخشان  
او

کسی که آثار علمی علامه فقید شیخ محمد صالح علامه حائری مازندرانی را بخواند می‌خواهد لقبی بالاتر از این القاب متداول که باو میدهند برای او پیدا کند. چرا؟ چون در کتابها و آثار علمی او چهره درخشان نابغه‌یی را می‌بیند که در طول نزدیک یک قرن بطور مداوم و پی‌گیر در علوم مختلف اسلامی تحقیق و تتبع شایان نموده و در هر باب خود در مقابل حکما و فقها و اصولیین و متکلمین و محققین بزرگ گذشته صاحب نظراتی استوار بوده است.

علامه‌را چنان که آن مرد محقق دانشمند یعنی استاد جلال الدین همایی در قصیده معروف خود وصف مینماید توصیف باید کرد و آن يك حقیقت مسلم است نه يك مبالغه شاعرانه از آنجمله در این بیت:

شاهباز آسمان پرواز اوج علم و دانش

آیه الله زمان علامه مازندرانی

آری هر اهل فنی که حکمت بوعلی علامه را در هشت مجلد بخواند، سبیکه الذهب را که در نظم کفایه است و یا سیاتک الذهب را در شرح آن بدقت بررسی کند هر اثری از آثار علمی او را که از سیمصد مجلد متجاوز است مورد مطالعه قرار دهد وجداناً تصدیق میکند که الحق علامه شاهباز آسمان پرواز اوج علم و دانش بوده است.

علما و مراجع تقلید فعلی عموماً شاگردان مرحوم آخوند خراسانی اعلی الله مقامه هستند. لیکن علامه بلاواسطه شاگرد مرحوم آخوند بود اما چگونه شاگردی؟ بگفته یکی از دانشمندان محقق، علامه در محضر درس مرحوم آخوند همچون ارسطویی در محضر درس افلاطون بود و هم علامه بود که بقلم عربی بلیغ و فصیح خود تقریرات و دوره درس آن استاد بزرگ را چنان نوشت که از روی نوشته های او مرحوم آخوند توانست کفایه و دیگر آثار مشهور علمی خود را بوجود آورد.

مرحوم والد علامه آیه الله المظنی میرزا فضل الله حائری پسر ارشد خویش مرحوم آقا شیخعلی را که با علامه ۱۲ سال اختلاف سن داشت و ادار

میکرد بحوزه درس مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل که ققهبی متبحر و معمر و مستقیماً شاگرد صاحب جواهر بود حاضر شود تا بیک واسطه از صاحب جواهر درک فیض کرده باشد چون در آن عصر از صاحب جواهر تنها شاگردی که بجای مانده و پیرمردی کهن سال شده بود مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل بود.

مرحوم آیه الله العظمی شیخ علی علامه بزرگترین برادرهای علامه مازندرانی چون استمداد علمی اعجاب انگیز برادر کوچکترش شیخ محمد صالح علامه را نیک دریافته بود با تدریس منظم فقه و اصول برای برادرش او را آماده میکرد که قبل از درگذشت مرحوم حاج میرزا حسین او نیز محضر درس او را دریابد و علامه پس از آمادگی کامل نزد برادرش و دیگر استادان بزرگ عصر بحوزه درس حاج میرزا حسین شتافت و در نتیجه در فقه بیک واسطه کلمات و نظرات خاصه صاحب جواهر را از شاگرد متبحر او دریافته بود. اینک شهرت یافته است که علامه در ۱۲ سالگی بدرجه اجتهاد رسید اگر بتوان در ۱۲ سالگی مجتهد شد باید گفت این بسلوغ زودرس علمی مخصوص علامه حلی بوده است نه علامه مازندرانی.

آنچه محقق است علامه قبل از رسیدن به بیست سالگی شاگرد میرزا و ممتاز مرحوم آخوند خراسانی بود و قبل از آن شاگرد علامه بزرگ مرحوم شیخ علی علامه برادر اکبر خود و مرحوم والدش بود و تا پایان عمر، برادر بزرگ را ادق از آخوند میدانست و در حکمت و فقه و اصول و کلام قبل از عزیمت به نجف در کربلا مسقط الرأس خود از برادر اکبر خود شب و روز استفاده میکرد و بتصدیق و تأیید برادر اکبرش که در سخن او خلاف و گزافی هرگز نبود علامه در ۱۶ سالگی قبل از عزیمت به نجف مجتهد مسلم بود.

علامه علاوه بر مرحوم آخوند از حوزه درس استاد مسلم فقه حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل استفاده شایان نمود و از همه آنها اجازه اجتهاد داشت و با مرتبه اجتهاد خود سالها در محضر درس آن استادان بزرگ و بی مانند بطور منظم حاضر میشد و با امتیاز نمایانی که از دیگر شاگردان داشت

غرور نمی ورزید و آنی محضر درس استادان خود را ترك نمی گفت .

علامه در ۲۸ رجب ۱۲۹۸ قمری در کربلا تولد یافت مرحوم پدرش آية الله العظمی میرزا فضل الله حائری مازندرانی در تاریخ تولدش بمری چنین سرود : بالخلف الصالح قولو امرحبا به فرزند صالح مرحبا بگوئید و اکنون مرحبا گوی فرزند صالح او در تمام جهان دانشمندی هستند که آثار علمی علامه را مورد مطالعه و استفادۀ قرار می دهند .

پدر و اجداد او همه از علما و آیات عظام بوده اند بدین شرح : شیخ محمد صالح فرزند شیخ فضل اله حائری مازندرانی فرزند ملا محمد حسن علامه فرزند ملا علی محمد فرزند ملا علاء الدین فرزند ملا ابوالحسن فرزند ملا معین الدین قاسمی که از شاگردان علامه مجلسی و از مجتهدین طراز اول عصر خود بوده است .

علامه در نجف در معقول شاگرد مبرز حاج ملا اسمعیل بروجرودی حائری بود که مرحوم آخوند در حضور فضلی نجف آن استاد را اعلم الحکما و افضل المتألهین می خواند .

علت دوام اقامت علامه در سمنان صرفاً فراغت و فرصتی بود که برای نیل بهدفعهای عالی خود یعنی بوجود آوردن آثار درخشان علمی در سمنان یافته بود .

الحق مردم سمنان در نیل علامه بهدفعهای خود سهمی بسزا دارند ازین نظر که از تمام جهات برای وصول علامه به هدف مقدس خود دستیار و معاون بیدریخ او بوده اند .

علامه نه فقط محبوب علما و روحانیون و استادان و فضلی عصر خود بود بلکه عوام و توده مردم نیز که قادر بذكر مقام علمی او نبودند از سیمای روحانی و متین و موقرش حس احترام و صمیمیت و محبت خاصی نسبت باو داشتند و از تماشای چهره جاذب او که بی اختیار هر بیننده را مجذوب می ساخت حفظ میبردند و از آرامش روحی و اخلاق کریمه او انس و الفت ناگستنی باوی داشتند .

در کمتر شخصیتی مانند علامه چنین جاذبه‌ی می‌توان یافت که شخصیت‌های گوناگون را که دارای هر مشرب و مسلکی باشند مجذوب خود سازد. تجلیل شخصیت‌هایی مانند مرحوم استاد فروزانفر و حضرت استاد‌های دیگر استادان از علامه مایهٔ شگفتی نیست در حالی که می‌بینیم نیمای یوشیح از دیدار علامه و مصاحبت با او چنان مجذوب شد که سبک نوپردازی را در مدیحه‌ی رها کرده و ضمن چکامهٔ غرائی در ستایش علامه چنین سروده است:

منم که طالع و درمانده ام درین فکرت

توئی که صالحی ای حائری ز من مگریز

تو نیک می‌کنی از حال جزه استقراء

هم آنچنانکه ز کلی قیاس بر همه چیز

ابونواس و غزالی و طوسی این سه توئی

که کس نخوانده و شناسدت بحق و تمیز

اکنون دورهٔ حکمت بوعلی نگارش علامه زینت بخش کتابخانه‌های ایران و جهان است و از این جهت علامه نه فقط در بلاد اسلامی بلکه در تمام جهان یک چهره درخشان علمی است و در همه جای دنیا کتابها و آثار علمی او مورد استفاده اهل تحقیق است و بر درخشش چهرهٔ او روز بروز از راه چاپ و نشر دیگر آثارش افزوده می‌گردد.

با وجود مراقبتهای مداوم که بامر شاهنشاه آریامهر از طرف پزشکان مخصوص از علامه بعمل می‌آمد بر اثر سرما خوردگی با ضعف پیری که نتیجهٔ تقید او بجزور در مسجد جهت اداء فریضهٔ جماعت بود در ساعت ۹/۵ صبح روز سه شنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۰ در ۹۳ سالگی بدرود حیات ظاهری گفت لیکن با آثار درخشان علمی که از خود بجای گذاشت نام خود را تا ابد در ردیف علامه حلی و علامه مجلسی و صدرالمتألهین شیرازی و شیخ مفید و سید مرتضی و شهیدین و محقق حلی و امثالهم بطور درخشانی ثبت کرد و رفت.

جنازهٔ آن دانشمند بزرگ با بدرقهٔ علما و مؤمنین اهل سمنان تماشید

وبا تجلیل اعجاب انگیز وبهت آورعلما و روحانیون و طلاب و مؤمنین مشهد که با وجود ریزش برف و سرمای شدید امواج جمعیت از ایستگاه تا مسجد مقبره مانند امواج دریا خروشان و بحرم مطهر حضرت ثامن الحجج پیوسته بود در درون حرم مطهر در دارالسماعه مقارن ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه ۲۲ دیماه بخاک سپرده شد و این چند بیت ماده تاریخ درگذشت فقید عالی مقام است که سروده ام :

سزد از ماتم علامه دل در آذر اندازیم

بدو نتوان برابر هیچ گنج دیگر اندازیم

بهر قرنی مگر علامه ای چون او پدید آید

دگر کی دست بر گنجی چنین پر گوهر اندازیم

ز ماتادل کند روشن چو شمعی سوخت در گنجی

کنون در هر کتابش دیده بر جانش در اندازیم

دلش آکنده بود از مهر روی حجت هشتم

بخود میگفت کی سر در ره آن سرور اندازیم

بسر سودای آن بودش که خاک پای او باشد

بود نیز آرزو مارا که بر پایش سر اندازیم

« صبا خالکو جو دما بدان عالی جناب انداز

بود کان شاه خوبان را نظر بر منظر اندازیم»

ز رب الهام شد بر قلب شاهنشاه آریامهر

سزد این گنج شایان را بخاک اطهر اندازیم

چو گل در روضه خلد رضا بردند خلق او را

یکی گفتا که می شاید سرودی خوشتر اندازیم

برون آورد سر بلبل سرود این شعر در تاریخ

«بصالح گو بیا بر خاکپائی پیکر اندازیم»